

زهرآغلامی متولد سال ۵۶ است. او یک دختر هجده ساله و پسر هشت ساله دارد. خیاطی را از سال ۷۵ شروع کرده است. خانم غلامی هشت مدرک فنی و حرفه‌ای دارد و از زنان کارآفرینی است که در کنار دوخت دوز و خیاطی، جواهردوزی و درباری دوزی انجام می‌دهد و در فرهنگ‌سراهای مختلف این دوره‌ها را آموزش داده است. این بانوی خلاق بیش از هشت طرح ابتکاری خاص نیز که به نام خودش ثبت شده است در جواهردوزی دارد.

جواهری در خانه

روایت زنی که تولید را به جای کارمندی انتخاب کرد

● لیلا لاریجه / جمله «کوکب خانم زن باسلیقه‌ای است، درباره او دقیقاً صدق می‌کند با این تفاوت که «زهرآخانم» زنی خیلی خیلی باسلیقه است! هر جای خانه چشم می‌چرخانم نشانه‌ای از هنرش هست. جلو آینه یک جعبه جواهردوزی است. رومیزی‌ها همه طرح و نقش دارند. روی دیوارها تابلوهای نقش برجسته از نمونه کارهای خودش را گردانده است و مانتویی که به تن کرده یک نقاشی جالب از ترکیب چند گل بهاری است. او خیاطی را از سال ۷۵ شروع کرده است. با کمترین امکانات و از خانه پدری. «بعد از اینکه دیپلم گرفتم، رشته پرستاری قبول شدم اما اجازه ندادند بروم و من را به اجبار خیاطی فرستادند. آن زمان واقعاً علاقه نداشتم ولی الان از این اجبار پشیمان نیستم! کارم خیلی تمیز بود و وقت می‌کردم. همین شد که ماه دوم مشتری گرفتم. پولی که از دوخت آن لباس گرفتم برای انگیزه شد ادامه بدهم. اولین دستمزد برایم خیلی شیرین بود. این حس برای خیلی از خانم‌هایی که کار می‌کنند صدق می‌کند و خیلی‌ها اولین دستمزد خود را هیچ وقت فراموش نمی‌کنند. ذات هنر این است که در آمدز است و همه کسانی که آموزش می‌بینند به درآمد می‌رسند. مواد اولیه هزینه دارد ولی ارزش دارد چون هنر همیشه در دست و پنجه آدم می‌ماند.»

● می‌رفتم و یاد می‌گرفتم

وقتی نتوانستم ادامه تحصیل بدهم، رفتم و در دوره بزرگ سالان دیپلم طراحی دوخت گرفتم. مثل این چند مدرکی‌ها من هم دو تا دیپلم دارم! مشتری برایم زیاد می‌آمد. هر کدام چیزی می‌خواست و من عاشق این بودم که تجربه‌های تازه‌تری کسب کنم. هیچ وقت به مشتری نه نمی‌گفتم. می‌رفتم و آن مورد را یاد می‌گرفتم. آزمون و خطا می‌کردم. بارها برش می‌زد و بازمی‌کردم تا بالاخره آن چیزی که می‌خواستم در می‌آمد. الان هم همین طور است. در این رشته باید به روز بود. من یا از استادان یا تجربه یا از آموزش‌های مجازی یا همان آزمون و خطا استفاده می‌کنم تا یاد بگیرم و عقب‌نمانم.

● آموزش را شروع کردم

«بعد از مدتی، مغازه راه‌انداختم. جواز کسب داشتم. خانم‌ها می‌آمدند و آموزش می‌خواستند. من هم شروع به آموزش کردم. از همان سال‌های اولی که شروع کردم به خیاطی، آموزش آن را هم شروع کردم ولی هنرهای دیگر را ۱۰ سال می‌شود که آموزش می‌دهم. بخشی از آموزش‌هایم در فرهنگ‌سراهای مختلف مثل تفریک، غدیر و امت بوده است. برای آموزش در مسجد هم از من دعوت شده است ولی نظر خودم این است که بهترین آموزش در خانه است. این شد که همین فضای خانه و زندگی را برای آموزش گذاشته‌ام. خانم‌ها هم کاملاً راحت هستند. این طور نیست که محدودیتی داشته باشند. آموزش برایم شیرین است و تا به حال به حدود پنجاه خانم آموزش داده‌ام. معتقدم این آموزش‌ها گره‌ای از زندگی آن‌ها باز می‌کند.»

● تازه می‌شوید

«دغدغه‌های زندگی زیاد است و هنر باعث آرامش می‌شود. همیشه به خانم‌ها می‌گویم آخر شب که همه خواب هستند و همه کارهای خانه را کرده‌اید و دیگر مشغولیتی ندارید یک استکان چای یا قهوه برای خودتان بریزید و شروع به کار کنید. روح و روان شما با هر سوزن زدن و نقش ایجاد کردن به آرامش می‌رسد و تازه می‌شوید. هنر باعث آرامش است.»

